

Symbolism of the Sacred Defense Poetry Based on the Poems of Houshang Ebtehaj

Shakib Davoodi^{1*}, Jahangir Safari², Masoud Foroozandeh³

1. PhD student in Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord: Iran.
2. Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord: Iran.
3. Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Shahrekord University, Shahrekord: Iran.

Article information		A B S T R A C T	
Article type: Research Paper		One of the most important components of sustainable literature, which has gained a more specific face and appearance, especially in our country, due to the impact of the 8-year period of sacred defense, is the component of war and the culture of sacrifice and martyrdom. The concept of war in our country has also created a culture of sacrifice, sacrifice and martyrdom. In a way, contemporary poets and writers have always addressed this category directly and indirectly in their works. In this research, we aim to answer the question by examining the symbols of war and martyrdom in the poems of one of the most famous contemporary poets, namely Houshang Ebtehaj: "What is this poet's symbolic approach to the concept of war and martyrdom? And what are the most frequently used symbols he uses to explain the aforementioned concepts?" This research was conducted using a descriptive-analytical method. The results of this study show that Ibtehaj uses a total of 31 different symbols in his poems with a frequency of 71 repetitions to explain the concepts of war and martyrdom. The most frequently used symbol in his sacred defense poems is the symbol of blood with a frequency of 22 repetitions, which implies the concept of martyrdom. On the other hand, the least used symbols of war and martyrdom in his poems are the symbols of: flood, fire, bud, deer, etc., each of which is used only once in his poems.	
KEYWORDS: Houshang Ebtehaj, sustainability literature, symbol, social symbolism, poetry of sacred defense.			
Received: Accepted:			
*Corresponding author: Shakibdavoodi1376@gmail.com			
Reference: Davoudi, Shakib/ Safari, Jahangir/ Foruzandeh, Masoud, (1403), Symbolism of the Sacred Defense Poetry Based on the Poems of Houshang Ebtehaj, Research Journal of the Flow of Poetry and Fiction in Contemporary Iranian Literature, 3(2), 72 to 96.			
DOI: 10.22034/pmlj.2025.14834.1065			



نمادشناسی شعر دفاع مقدس با تکیه بر اشعار هوشنگ ابتهاج

شکیب داودی^{۱*}، جهانگیر صفری^۲، مسعود فروزنده^۳

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد: ایران.
۲. استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد: ایران.
۳. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهرکرد، شهرکرد: ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی	یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری که به‌ویژه در کشور ما به تأثیر از دوران ۸ ساله دفاع مقدس، وجهه و جلوه‌ای خاص‌تر یافته است، مؤلفه جنگ و فرهنگ ایثار و شهادت است. مفهوم جنگ در کشور ما، به تبع خویش فرهنگ جانبازی و ایثار و شهادت را نیز ایجاد کرده است. به نحوی که شاعران و نویسندگان معاصر، به صورت مستقیم و غیرمستقیم همواره در آثار خود به این مقوله پرداخته‌اند. در این پژوهش بناداریم با بررسی نمادهای جنگ و شهادت در اشعار یکی از مشهورترین شاعران معاصر، یعنی هوشنگ ابتهاج به این پرسش پاسخ دهیم که: «رویکرد نمادین این شاعر در مواجهه با مفهوم جنگ و شهادت چگونه است؟ و پرکاربردترین نمادهای مورد استفاده او در راستای تبیین مفاهیم مذکور کدام‌اند؟» این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ابتهاج در مجموع در اشعار خود از ۳۱ نماد گوناگون با بسامد ۷۱ مرتبه تکرار، در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت بهره می‌یابد. پرکاربردترین نماد در اشعار دفاع مقدس او نماد خون با بسامد ۲۲ مرتبه تکرار است که به مفهوم شهادت دلالت دارد. از سوی دیگر کم‌کاربردترین نمادهای جنگ و شهادت در اشعار او نمادهای: غرقاب، آتش، غنچه، آهو و... هستند که هرکدام تنها یک‌بار در اشعار او استفاده شده‌اند.
واژگان کلیدی:	
هوشنگ ابتهاج، ادبیات پایداری، نماد، سمبولیسم اجتماعی، شعر دفاع مقدس.	
تاریخ دریافت:	
تاریخ پذیرش:	
* پست الکترونیکی نویسنده مسئول:	
Shakibdavoodi1376@gmail.com	
ارجاع: داودی، شکیب/ صفری، جهانگیر/ فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، نمادشناسی شعر دفاع مقدس با تکیه بر اشعار هوشنگ ابتهاج، پژوهشنامه جریان‌شناسی شعر و داستان ادبیات معاصر ایران، ۳(۲)، ۷۲ تا ۹۶.	

DOI: 10.22034/pmlj.2025.14834.1065

۱. مقدمه

ادبیات پایداری یکی از موضوعات ادبی است که اگرچه از دیرباز مورد توجه شاعران و نویسندگان بوده است و رگه‌هایی از آن در آثارشان هویداست، اما در ایران به‌ویژه از عصر مشروطه به‌عنوان مضمونی ادبی پا به عرصه ظهور می‌گذارد. پایداری در لغت به معنای ایستادگی، مقاومت، پایداری، مدارا و تحمل و ثبات و دوام است. علی‌رغم آنکه به نظر می‌رسد تعریفی دقیق و جامع و مانع از ادبیات پایداری به طور اخص در یک پژوهش به دست نیامده است؛ اما ارائه تعریفی دقیق جامع و مانع از ادبیات پایداری از چند جهت واجد اهمیت است. نخست اینکه مؤلفه‌ها و مقولات اصلی هر پدیده‌ای از جمله ادبیات مقاومت در تعریف آن مندرج است فلذا برای بازشناسی مؤلفه‌های ادبیات پایداری لازم است که این مفهوم به روشنی تعریف شود. نکته مهم دیگر در این خصوص تشبیه در تعاریف ادبیات پایداری به عنوان یکی از مهم‌ترین چالش‌های ادبیات پایداری است که منشاء بسیاری از خلط مبحث‌ها و سوء تفاهمات در میان پژوهشگران این حوزه شده است. (چهرقانی، ۱۳۹۶: ۷) بنابراین به گوشه‌ای از تعاریفی که در مقدمه پژوهش‌های این حوزه ارائه شده است اشاره خواهیم کرد. منصور رستگار فسایی از ادبیات پایداری چنین تعریفی دارد: «ادبیات پایداری بازتاب سلحشوری پایداری و تحرک دلاورانه جوانان معاصر ایرانی در حفاظت از مرز و بوم سرزمین نیاکان خویش است که در این راستا با باورهای اسلامی و عقاید استوار شیعی آنان همراه گشته است.» (رستگارفسایی، ۱۳۷۲: ۳۹۰) البته به نظر می‌رسد این تعریف از جامعیت کافی برای مفهوم ادبیات پایداری برخوردار نیست و بیشتر ناظر و معطوف بر جنگ ایران و عراق و ادبیات مقاومت در ایران است. در این تعریف ادبیات پایداری جنبه توصیفی دارد؛ اما با در نظر گرفتن این نکته که توصیف سلحشوری‌ها و پایداری‌ها می‌تواند برای پایداری انگیزه ایجاد کند می‌توان آن را دارای جنبه کاربردی هم دانست. (جهانگرد، ۱۳۹۵: ۶۴) در تعریفی دیگر ادبیات پایداری این گونه بیان شده است: ادبیات پایداری به شعرها، داستان‌ها، نمایش‌ها، سرودها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. معمولاً این نوع آثار در دوره خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندان پرداخته شوند از حیطه‌ی تنگ ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به صورت شاهکارهای ادبیات ماندگار می‌شوند. ادبیات مقاومت معمولاً به توصیف دلاوری‌ها و جدال‌ها و از خودگذشتگی‌هایی می‌پردازد که ملتی یا قومی بر ضد ملتی یا قومی دیگر که اغلب اشغالگر یا متجاوز است از خود نشان می‌دهد. (میرصادقی، ۱۳۷۷: ۱۶) جمال میرصادقی در این تعریف با نگاهی توصیفی و کاربردی تعریفی

آسیب‌شناسانه از ادبیات پایداری ارائه می‌دهد و در واقع آن را وابسته به شرایط و اوضاع و احوال سیاسی-اجتماعی و محدود به تنگنای ادبیات قومی و ملی هر جامعه معرفی می‌کند.

ادبیات پایداری از نظر ایدئولوژیک و ویژگی‌های فکری محتوایی این گونه تعریف شده است: «ادبیات پایداری ادبیات ستم‌پندگی و عشق است. ادبیات توفنده و پر تلاطمی که آلودگی به یاس و سکون را نمی‌پذیرد و بسان روح پیوسته در کالبد خمود ادبیات هر عصر دمیده می‌شود. در واقع این گونه ادبی در طول تاریخ و در کشاکش تهاجم قدرت‌ها و تدافع جوامع سلطه‌ناپذیر همواره به مثابه ابزار و سلاحی باز دارنده رخ نموده و موجبات احیاء، تداوم و بقای فرهنگی جوامع مورد هجوم یا تحت سلطه را فراهم آورده است. (بصری، ۱۳۸۷: ۹۱)

اما محمدرضا سنگری ادبیات پایداری را در پژوهشی با همین عنوان این گونه معرفی می‌کند: «عنوان ادبیات پایداری معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت غصب قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و شکل می‌گیرند. بنابراین جان مایه این آثار با بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی در همه حوزه‌های سیاسی فرهنگی اقتصادی و اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است.» (سنگری، ۱۳۸۳: ۱) که به نظر می‌رسد همین تعریف نسبت به سایر تعاریف از جامعیت بیشتری برخوردار است. ادبیات مقاومت در تعریفی دیگر این گونه معرفی می‌شود: ادبیات مقاومت بازتاب برخی دردهای مشترک میان تمام جوامع بشری است که برخی دردهای مشترک میان شاعران به عنوان وجدان آگاه جامعه آنها را فریاد می‌زنند و یادکردشان جوشش ضمیر شاعران را به مضمونی مشترک بدل می‌کند. (کافی، ۱۳۸۷: ۳۸۹) و در تعریفی موسع ادبیات پایداری و مقاومت این گونه بیان شده است: در سطح بسیار وسیع متعلق اعتراض جهان مادی و طبیعت است. از این منظر هنر و ادبیات فی حد ذاته نوعی مقاومت در برابر نقص واقعیت و طبیعت تلقی می‌شود کما اینکه برادسکی می‌گوید: «هنر شکلی از مقاومت در برابر نقص واقعیت است. (برادسکی ۱۳۷۳: ۵۵) بنابراین طرز تلقی هنر و در رأس آن شعر تنها توصیف محاکات یا تقلید از طبیعت نیست. هنر نوعی عصیان در برابر واقعیت موجود و بازآفریدن حقیقت مفقود است.» (چهرقانی: ۸)

در نهایت اگر بخواهیم باتوجه به تعاریف فوق تعریفی دقیق‌تر از ادبیات پایداری ارائه دهیم باید گفت: ادبیات پایداری شاخه‌ای از ادبیات است که طی آن آثاری حاوی تعهد و التزام شاعران و نویسندگان و ایستادگی‌ها و پایمردی‌های یک ملت و جامعه در برابر شرایط

سیاسی اجتماعی خود، که عموماً شامل وقایعی چون جنگ استبداد، استعمار، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون ستیزی و قانون‌گریزی، غصب قدرت و سرمایه‌ها و... است، به وجود می‌آید، و با بیان دردهای مشترک اجتماعی انسان مخاطبان خویش را در تمام جوامع به پایداری در برابر چنین عواملی دعوت می‌نماید.

۱-۱. بیان مسئله

بیان صریح موضوع اغلب از لذت شعر و شاعرانگی آن برای مخاطب می‌کاهد. حال اگر آن موضوع اسرار عرفانی یا دل‌گرفتگی‌های عاشقانه و به خصوص انتقادهای و ایستادگی‌های اجتماعی سیاسی باشد ممکن است از لذت و رغبت بیان آن برای شاعر نیز کاسته شود. به همین سبب در دوره‌ی معاصر و به تاثیر از مکتب سمبولیسم اروپایی جریان شعری نمادگرایی اجتماعی به راه افتاد. از طرفی ادبیات پایداری از نظر اجتماعی سیاسی اهداف و رویکردهایی مانند جریان نمادگرایی اجتماعی دارد. هر چند باید ادبیات پایداری را گونه‌ای از انواع ادبی دانست اما از طرفی به سبب ارتباط تنگاتنگ این نوع ادبی با شرایط و اوضاع اجتماعی و خفقان‌های سیاسی و جهل و ناآگاهی‌های عمومی و همچنین از طرف دیگر، ویژگی در پرده رمز و ابهام گفتن و پرداختن به انتقادات و اعتراضات و آرمان‌ها و عقاید، پوشیده از شر دشمنان و حاکمان ظالم و مردم جاهل و...، جامعه کمتر اجازه ظهور این گونه‌ی ادبی را داده است و ناچار در لایه‌ی زیرین انواع ادبی دیگر مانده است. (قلی‌پوری و همکاران ۱۴۰۰: ۴) بنابراین شاعران و نویسندگانی که مفاهیم اجتماعی و مولفه‌های ادبیات پایداری را در اشعار خود جای داده‌اند، گاه نه با بیانی صریح، بلکه با استفاده از نمادهای گوناگون مفاهیم و ارزش‌ها و آرمان‌های اجتماعی و سیاسی خود را منتقل کرده‌اند. پس در ادب معاصر، علاوه بر نمادهای عرفانی و حماسی گذشته، با مفهومی تازه از نمادها، یعنی «نمادهای پایداری» مواجه هستیم. اگرچه نگارنده در آینده نزدیک سعی بر انجام پژوهش‌ها و تحقیقات بیشتری درخصوص نمادهای پایداری دارد، اما در ادامه‌ی این پژوهش اختصاصاً به بررسی نمادهای جنگ و شهادت و ادبیات دفاع مقدس در اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی هوشنگ ابتهاج خواهد پرداخت. این پژوهش با روش کتابخانه‌ای، تحلیلی-توصیفی، و با مطالعه‌ی مجموعه‌ی چند کتاب از اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر یعنی هوشنگ ابتهاج، صورت گرفته است. در این پژوهش بنابه عدم وجود مجموعه‌ای کامل و مدون از اشعار ابتهاج، با بررسی اشعار این شاعر معاصر در مجموعه‌های تاسیان، سیاه مشق، آینه در آینه، و کتاب شعر زمان ما؛ ۲۰ اثر فیض شریفی که بخش عمده آثار سایه را در آن می‌توان ملاحظه کرد، رویکرد نمادین او را نسبت به مولفه‌ی جنگ و شهادت تعیین نموده، و مصادیق و ابیات گوناگونی که حاوی نمادهای جنگ و شهادت در اشعار ابتهاج بوده است را در معرض دید خوانندگان قرار داده‌ایم.

همچنین با ارائه اطلاعات آماری دقیق و مدون، به بررسی رویکرد این شاعر در اشعار پایداری دفاع مقدسش پرداخته‌ایم.

۱-۲. پیشینه پژوهش

پیش از این پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی بررسی و تحلیل مولفه‌های ادبیات پایداری در اشعار هوشنگ ابتهاج صورت گرفته است. برای نمونه مقاله‌ای با عنوان: جلوه‌های ادبیات پایداری در اشعار هوشنگ ابتهاج که توسط بیتا نوریان در سال ۱۴۰۱ در هفتمین کنفرانس بین‌المللی مطالعات زبان و ادبیات در جهان اسلام، ارائه شده است. یا مقاله نگارنده و همکاران با عنوان: جلوه نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج که در سال ۱۴۰۳ دوره ۱۶، شماره ۳۰، نشریه ادبیات پایداری. اما روی هم رفته، تاکنون هیچ پژوهشی با موضوع نمادپردازی‌های هوشنگ ابتهاج، درخصوص شعر دفاع مقدس صورت نگرفته و این رویکرد آماری به نمادگرایی این شاعر و آن‌هم به ویژه در راستای پرداختن به مفاهیم جنگ و شهادت، مورد بررسی قرار نگرفته است. بنابراین موضوع «بررسی نمادهای جنگ و شهادت در آثار هوشنگ ابتهاج»، موضوعی تازه به نظر می‌رسد.

۲. بحث و بررسی

۱-۲. مولفه‌های ادبیات پایداری

مولفه‌های ادبیات پایداری از آغاز تا کنون بارها و بارها مورد تغییر و گسترش و کاهش قرار گرفته‌اند و می‌توان رابطه و تناسب مستقیمی میان کمیت این مولفه‌ها در ادوار مختلف تاریخ، با رواج این گونه‌ی ادبی در یک دوره‌ی تاریخی قائل شد. به نحوی که هرچه ادبیات پایداری در یک دوره بیشتر رواج یافته، مولفه‌های آن نیز در آن دوره بیشتر و وسیع‌تر شده‌است، و هرچه در یک دوره کمتر به ادب پایداری توجه یا نیاز بوده است، طبیعتاً مولفه‌های آن نیز کاهش یافته است. با این توضیح که برخی از مولفه‌های پایداری، به طور فطری و ذاتی در تمام جوامع بشری درهمه‌ی ادوار موجود بوده است، و فقط گاه کم‌رنگ یا پررنگ‌تر می‌شوند، برخی از مولفه‌ها وجود داشته و در دوره‌ای متناسب با ارزش‌های جامعه حذف شده یا تغییر می‌کنند، و برخی از مولفه‌ها یا محدود بوده و گسترش یافته‌اند و یا کلاً پیش از یک دوره‌ی خاص وجود نداشته و از آن به بعد به وجود آمده‌اند. بنابراین در ادوار تاریخی مختلف، مولفه‌های مختلفی می‌توان برای ادب پایداری فرض کرد.

برای مثال: «مولفه‌های اصلی ادبیات پایداری در شاهنامه و اشعار ناصر خسرو، خردگرایی و بیگانه ستیزی با تکیه بر عنصر زبان و عناصر هویت ملی و اندیشه‌های شیعی است.» (ر).

ک: صفری و ظاهری، ۱۳۹۴) و در شعر حافظ خرافه‌ستیزی، نقد ریا و تزویر، انتقاد از فساد و ظلم حکام و ... مولفه‌ی پایداری است. در دوران مشروطه مولفه‌هایی مثل استبدادستیزی، استعمارگریزی، آزادی‌خواهی، تجددگرایی و ... ایجاد شده، و مولفه‌هایی مثل وطن‌پرستی، بیگانه‌ستیزی، ظلم‌ستیزی، نقد فساد و ... گسترش و توسعه می‌یابند. و در دوره‌ی دفاع مقدس نیز با مولفه‌هایی مثل جنگ، شهادت، ایثار، دین‌مداری، و همچنان وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی مواجه هستیم.

«بررسی مولفه‌های پایداری و رصد آن در آثار ادبی، یکی از رایج‌ترین شیوه‌های تحقیق در ادبیات پایداری به حساب می‌آید.» (کافی، ۱۴۰۰: ۵) از آنجا که مقوله‌ی ادبیات دفاع مقدس یکی از مهم‌ترین مقوله‌های ادبیات پایداری است در ادامه این پژوهش سعی داریم با بیان تعریف و شرحی کوتاه از این مولفه پایداری، به بررسی و تحلیل مصادیق نمادهای جنگ و شهادت در اشعار دفاع مقدس هوشنگ ابتهاج بپردازیم.

۲-۱-۱. مولفه‌ی جنگ و شهادت و ادبیات دفاع مقدس

یکی از مولفه‌های مهم ادبیات پایداری، که به ویژه در کشور ما به تاثیر از دوران ۸ سال دفاع مقدس، وجهه و جلوه‌ای خاص‌تر یافته است، مولفه‌ی جنگ است. جنگ و پرهیز از آن همواره یکی از دغدغه‌های اصلی جوامع بشری بوده است. این مفهوم در فرهنگ ایرانی نیز جایگاه خاص خود را دارد و شاعران و اندیشمندان کشورمان، چه گذشتگان در برابر جنگ‌های تاریخی، و چه معاصران در برابر جنگ تحمیلی رژیم بعثی، در آثار خود به آن پرداخته‌اند.

مفهوم جنگ در کشور ما، فرهنگ جانبازی و ایثار و شهادت را نیز به تبع خود ایجاد و رایج کرده است. به نحوی که رویکرد شاعران در رابطه با این مقوله، یا به صورت نكوهش جنگ و آفات و تبعات زیان‌بار آن، یا از سویی دیگر به شکل ستایش از روحیه جهاد و ایثار و شهادت بوده است. این مضمون گاه به شکلی صریح و مستقیم در شعر شاعران معاصر جلوه‌گر شده است، و گاه آنان با استفاده از سمبل‌های گوناگون نظر و احساس خود را از مفهوم جنگ، و رشادت‌ها و شجاعت‌های رزمندگان، جانبازان، اسرا و شهیدان میهن‌مان بیان کرده‌اند. در ادامه‌ی این بخش سمبل‌های جنگ و شهادت را در اشعار یکی از سرشناس‌ترین شاعران معاصر، یعنی هوشنگ ابتهاج مفصلاً مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد.

۲-۲. سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار هوشنگ ابتهاج

هوشنگ ابتهاج در اشعار خود علاوه بر مفاهیم آزادی و ظلم و پایداری در برابر دشمن داخلی، به مولفه‌ی جنگ و پایداری در برابر دشمن خارجی نیز پرداخته است. این شاعر دغدغه‌مند اگرچه ظاهراً در ایام دفاع مقدس در خارج از کشور سکونت داشته است، اما

فارغ از حدود جغرافیایی، درد مشترک میهن و مردمش را حس کرده است و به آن پرداخته است. البته در شعر شاعرانی چون او، که بیشتر اشعارشان در ایام قبل از انقلاب سروده شده است، مفهوم شهادت اغلب به شهیدان راه انقلاب و آزادی ملت بازمی‌گردد، اما با این همه، او بی‌توجه به دفاع مقدس و شهدا و جانبازان این واقعه بزرگ پایداری هم نیست، و گاه به صراحت و گاهی به واسطه سمبل‌گرایی، مقوله‌ی جنگ و شهادت را در اشعار خویش به کار برده است. در ادامه مفصلاً سمبل‌های شعر ابتهاج در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت را مورد بررسی قرار خواهیم داد.

خون

نماد خون که یکی از پرکاربردترین سمبل‌های شعر معاصر است و معمولاً به مفهوم شهادت دلالت دارد در اشعار هوشنگ ابتهاج نیز بارها استفاده شده است. این سمبل در اشعار هوشنگ ابتهاج مجموعاً ۲۲ بار تکرار شده است و به تناسب فضای هر شعر به مفاهیم جنگ و یا شهادت دلالت داشته است. برای نمونه در دوبیت زیر نماد خون در مفهوم جنگ به کار رفته است:

چه رفت بر سر آن شهسوار دشت شفق که خون همی چکد از سم این سمند کبود (شعرزمان‌ما: ۱۲۷)
زان مژده‌گو که صد گل سوری به سینه داشت وین موج خون که می‌زندش در دهن بگو (همان: ۱۳۲)

سایه آزادی را شهسواری سوار بر اسب می‌داند که از سم سمند او خون می‌چکد. جنگ و شهادت هردو بهایی هستند که یک ملت آزادیخواه در راستای تحقق آرمان بلند خود می‌پردازد. او همچنین با استفاده از نماد خون، به این نکته اشاره می‌کند که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی و شاید در پاسخ به آن، ملت ایرانی از سوی دشمنانش با فاجعه‌ی جنگ تحمیلی مواجه می‌شود، و جنگ را موج خونی می‌دانند که گویی در دهان مژده‌گوی آزادی این ملت می‌زند و در پی نابودی این آرزوی تازه حاصل شده است.

بنگر کزین ره پر خون/ خورشیدی خجسته دمید

(همان: ۴۳۵)

سپیده ما گلگون است/ که دست دشمن در خون است

(همان)

یادگار خون عاشقان/ ای بهار

(همان)

او در شعر بالا مشخصاً به موضوع انقلاب و آزادی دلالت دارد، و سپیده گلگون و راه پر خون و بهار یادگار خون عاشقان را همان انقلاب و آزادی ملت ایران می‌داند. البته بیان این نکته در رابطه با دیدگاه ابتهاج نسبت به واژه خون حائز اهمیت است که، سایه خون را واسطه و لازمه پیروزی و آزادی می‌داند و این شاید ناشی از اندیشه‌های چپ‌گرایانه‌ی او بوده باشد، چنان که هم در شعر بالا بهار آزادی را یادگار خون عاشقان و شهدا می‌پندارد و هم در بندی از شعر نمادین دیگری که در ادامه خواهد آمد (در بررسی نماد شقایق)، مشخصاً به این نکته اشاره می‌کند. اما به هر حال روحیه میهن‌پرستانه و آزادیخواهانه او و اشعار سراسر اجتماعی و دغدغه‌مندش هرگز قابل چشم‌پوشی و انکار نبوده و نیست.

دل من باز چو نی می‌نالد/ ای خدا خون کدامین عاشق/ باز در چاه چکید؟

(تاسیان: ۱۴۳)

تو چون شهاب نوشتی به خون روشن خویش/ که صبح تازه ز خون شهید خواهد خاست/ ز بال سرخ تو خواندم در آن غروب قفس/ که آفتاب رها گشتن قناری‌هاست

(همان: ۱۶۵)

در این بندها نیز سایه مشخصاً نماد خون را در مفهوم شهادت به کار می‌برد و خود نیز به این کاربرد نمادین اشاره می‌کند. اما او نیز مانند سیمین گاه از واژه خون همزمان در هر دو مفهوم جنگ و شهادت بهره یافته است. برای نمونه در بند ذیل می‌گوید:

راز سرسبزی حلاج این است: / ریشه در خون شستن/ باز از خون رستن

(همان: ۱۶۹)

در این بند خون اولی در مفهوم جنگ و خون دوم در مفهوم شهادت به کار رفته است. سایه راز سرسبزی حلاج که خود نماد شهادت و حقانیت است را، در شستن ریشه‌ها در خون جنگ، و باز رستن و شکوفه زدن از دل برکات فرهنگ غنی ایثار و شهادت می‌داند.

به خون نوشته نامه‌ی وفای توست/ به گوش بیستون هنوز/ صدای تیشه‌های توست

(همان: ۱۸۶)

در این بند نیز ابتهاج خون را در مفهوم شهادت به کار می‌برد و به شهدا اشاره دارد که با ایثار و رشادت خود، گویی نامه وفا و میهن پرستی را با خون خویش می‌نویسند و امضا می‌کنند. مفهوم شهادت در شعر ابتهاج نه تنها در مورد دفاع مقدس و فرهنگ شهادت در ایران، بلکه شمولی جهانی دارد و به نوع بشر مرتبط است. او حتی به موضوع فلسطین نیز بی‌توجه نمانده است و در مورد شهدایی که در فلسطین در راه آزادی‌شان خون‌های فراوان داده‌اند پرداخته است.

دیرگاهی است که از پیکر مجروح فلسطین شب وروز/ خون فرو می ریزد

(همان: ۱۷۰)

او در این بند که به خوبی بیانگر دغدغه مندی و رسالت اجتماعی اش است، رویکرد دوگانه نماد خون را در مواجهه با مفاهیم جنگ و شهادت حفظ داشته است، به نحوی که فلسطین را پیکری مجروح تصویر می کند که شبانه روز از آن جنگ و شهادت می چکد و کما هنوز هم این فاجعه بشری ادامه دار است.

ما بانگ تورا با فوران خون/ چون سنگی در مرداب/ بر بام و درافکنندیم

(همان: ۱۵۶)

این فرش که در پای تو گسترده ست/ از خون است/ این حلقه ی گل خون است/ گل خون است...

(همان: ۱۵۹)

او همچنین در بندهای بالا با دلالت مستقیم نماد خون به شهدا، مقام مقدس ایشان را ارج می نهد و فرش گلگون میهنش را بافته از هزاران حلقه از این شهیدان و دلاوران می داند، که هر لحظه آماده ایستادگی و رشادت در برابر دشمنان و متجاوزان هستند.

داغ

واژه داغ را در معنای سوز سوزان و مترادف غم و عزا پنداشته اند. اما این واژه در تاریخ معاصر کاربرد بیشتری می یابد. رسم داغ نهادن یکی از اسباب دلالت نمادین این واژه است. از طرفی دیگر لاله را به سبب داشتن نقطه های سفیدی که در دل خود دارد، و آن ها را داغ می نامیم، نماد شهادت دانسته ایم. بنابراین شهادت به همراه خود داغ دارد. و این داغ گاه به جای شهادت و به عنوان نمادی از آن به کار رفته است. ابتهاج نیز در اشعار خویش ۲ بار از نماد داغ در مفهوم شهادت بهره می یابد.

نشان داغ دل ماست لاله ای که شکفت به سوگواری زلف تو این بنفشه دمید (شعرزمان ما: ۱۵۴)

که زمین هر سال از خون پرستوها رنگین است/ وین چنین بر جگر سوختگان/ داغ بر داغ می افزاید

(تاسیان: ۴۴۶)

او با اشاره به حجم آمار شهدا در سالهای دفاع مقدس، و با تشبیه کهن داغ لاله به داغ دل عاشقان، در پی تبیین مفهوم شهادت است که مانند الگویی فرهنگی در بین مردمان جامعه ایران رواج یافته است و دمیدن بنفشه ی آزادی را مدیون و مرهون این داغ و فرهنگ می داند.

شمع

نماد شمع نیز به سبب نوربخشی و روشنایی که با سوختن خویش ایجاد می‌کند، نماد ایثار و شهادت است. این سمبل مصنوع و تشبیهی در اشعار ابتهاج ۱ بار در مفهوم شهادت به کار رفته است.

اندرین گوشه‌ی خاموش فراموش شده/ کز دم سردش هر شمعی خاموش شده

(شعرزمان‌ما: ۴۴۶)

آتش

چنانچه پیش‌تر گفته شد، آتش از سمبل‌های چندوجهی شعر معاصر فارسی و به ویژه ادبیات پایداری است که هم در مفهوم آزادی، هم در مفهوم ظلم و هم در مفهوم جنگ کاربرد دارد. نماد آتش در اشعار ابتهاج نیز در مفهوم جنگ به کار رفته است. این سمبل عمومی و طبیعی ۱ بار در بیت زیر از اشعار سایه، مورد استفاده قرار گرفته است و به مفهوم جنگ دلالت دارد.

از آتش گذشتند با جان پاک که پاکان از آتش ندارند باک (آینه در آینه: ۱۲۹)
او در این بیت در کارکردی نمادین در استفاده از واژه آتش، و همچنین با رویکردی بینامتنی که آتش نمادین شعر او را به آتش حقیقی در داستان سیاوش مرتبط می‌دارد، و بر همین مبنا به نوعی با تلمیح به آن داستان می‌کند و یادآور خون پاک سیاوش می‌شود، علاوه بر آن که نمادینه‌گی آتش در مفهوم جنگ را دوچندان می‌کند، به نحوی ضمنی به مفهوم شهادت نیز دلالت می‌کند و این دو مفهوم را بیش از پیش به یکدیگر متصل می‌دارد.

خاک

نماد خاک یکی دیگر از نمادهای طبیعی و توسیعی است پرکاربرد ادبیات پایداری است. اما دلالت این نماد اغلب به مفهوم میهن است و به این مولفه بیشتر دیده و شناخته شده است. اما با اشاره به جسم انسان که بی‌روحي که به واسطه شهادت به پرواز در می‌آید چیزی جز مشتی خاک نخواهد بود، توسط سایه در مفهوم شهادت نیز به کار رفته است. این نماد طبیعی از شهادت نیز ۱ بار در بیت زیر از اشعار ابتهاج به کار رفته است.

ای خاک این همان تن پاک است؟ انسان همین خلاصه‌ی خاک است؟ (تاسیان: ۱۷۲)

تیر

تیر سمبلی مجازی و مصنوع از جنگ است و ۱ بار در اشعار سایه در همین مفهوم به کار رفته است.

مرگ مردان، مرگ در میدان/ با تپیدن‌های طبل و شیون شیپور/ با صفیر تیر و برق تشنه‌ی شمشیر

(تاسیان: ۹۷)

صفیر تیر همان صدای کوس جنگ ناخواسته و نامیمونی است که جامعه‌ی آزاد و انقلابی ایران را به خاک و خون کشیده است و راهی جز مرگ و شهادت مردان مرد باقی نگذاشته است.

تبر

تبر نیز از سمبل‌های مصنوع و مجازی است. اگرچه این نماد اغلب در مفهوم طلسم مورد استفاده شاعران پایداری قرار گرفته است اما با احتساب بیت زیر در مفهوم جنگ نیز ۱ بار در شعر ابتهاج به کار رفته است.

من به این باغ می‌اندیشم/ که یکی پشت درش با تبری تیز کمین کرده است

(تاسیان: ۱۷۱)

میدان

میدان سمبل عمومی، مصنوع و مبتنی بر مجاز از جنگ است. این سمبل ۱ بار در شعر سایه به کار رفته است.

مرگ مردان، مرگ در میدان/ با تپیدن‌های طبل و شیون شیپور/ با صفیر تیر و برق تشنه‌ی شمشیر

(تاسیان: ۹۷)

چنانچه به صراحت مشهود است، مقصود سایه از میدان، میدان نبرد حق علیه باطل و جبهه‌های دفاع مقدس است. او مرگ در چنین میدانی را نهایت سعادت و تنها راه رسیدن به آرمان همیشگی بشر، یعنی آزادی می‌داند.

طبل و شیپور

در همان مصداق بالا، نمادهای طبل و شیپور که از ادوات جنگی به ویژه در جنگ‌های دوران گذشته به حساب می‌آیند، سمبل مصنوع و مجازی از جنگ هستند. این دو نماد نیز هرکدام ۱ بار در نمونه زیر از اشعار ابتهاج به کار رفته‌اند.

مرگ مردان، مرگ در میدان/ با تپیدن‌های طبل و شیون شیپور/ با صفیر تیر و برق تشنه‌ی شمشیر

(تاسیان: ۹۷)

تندر

ابتهاج اگرچه نماد باد را در مفهوم جنگ و شهادت به کار نبرده است، اما از سمبل تندر در این راستا بهره یافته است. تندر نیز سمبل طبیعی و توسیعی از جنگ است. این سمبل ۱ بار توسط ابتهاج در شعر زیر به کار رفته است.

با من بگو از سرگذشت آن سپیدار/ آن سهمگین پیکر که با فریاد تندر/ چون پاره‌ای از آسمان افتاد بر خاک!

(تاسیان: ۱۴۰)

او شهدا را سپیداران سهمگین پیکری می‌داند که در بلای تندرگون جنگ تحمیلی مانند تکه‌های آسمان بر روی خاک افتادند تا ذره‌ای از خاک پاک میهنشان را در دست بیگانه نینند.

موج

در اشعار هوشنگ ابتهاج سیل بیشتر در مفهوم ظلم (ر. ک: داودی و دیگران، ۱۴۰۳: جلوه نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج) و حتی آزادی به کار رفته است، اما از آن به عنوان نماد جنگ استفاده نشده است. به ازای آن، ابتهاج از نماد موج که سمبلی عمومی و طبیعی است در این مفهوم بهره می‌یابد. این سمبل ۱ بار در بیت زیر از اشعار هوشنگ ابتهاج به کار رفته است.

زان مژده‌گو که صد گل سوری به سینه داشت وین موج خون که می‌زندش در دهن بگو
(شعر زمان‌ما: ۱۳۲)

ترکیب موج خون، چنانچه پیش‌تر گفته شد، هم به سبب نماد خون، و هم به سبب دلالت نماد موج، به مفهوم جنگ دلالت دارد.

غرقاب

ابتهاج همچنین در جایی از غرقاب در مفهوم جنگ بهره می‌یابد، تا شدت آثار منفور این پدیده تاریخی را بیشتر القا کند و بازهم از جنگ تحمیلی به عنوان سد و مانعی فجیع بر سر راه آزادی و انقلاب نوپای ملت ایران یاد کند. این سمبل طبیعی نیز که نمادی از جنگ است ۱ بار در اشعار سایه استفاده شده است.

به ساکنان سلامت خبر که خواهد برد که باز کشتی ما در میان غرقاب است (آینه در آینه: ۲۰۰)
کشتی در این بیت هم نماد کشور ایران و هم نماد کشتی نجات‌بخش آزادی است، که به واسطه‌ی غرقاب جنگ تحمیلی با بلا و حادثه‌ای سهمگین و سخت دست‌روبر شده و دست و پنجه نرم می‌کند.

غنچه

غنچه که یکی از پرکاربردترین نمادهای ادب‌پایداری است، در ادبیات دفاع مقدس نیز کاربرد فراوان دارد. علاوه بر دلالت نمادین این واژه به مفاهیم آزادی و رهایی، این نماد در مفهوم شهید نیز بارها مورد استفاده شاعران معاصر قرار گرفته است. غنچه که سمبلی عمومی و طبیعی از شهداست. این نماد توسیعی در شعر ابتهاج نیز مورد استفاده قرار گرفته است. این سمبل ۱ بار توسط سایه در مفهوم شهید به کار رفته است.

ای جنگل ای حیف! / همسایه‌ی شب‌های تلخ نامرادی / در آستان سبز فروردین دریا / آن غنچه‌های سرخ را بر باد دادی! (تاسیان: ۱۳۸)

گل

سمبل پرکاربرد گل بیشتر در مفهوم آزادی و شهادت و حتی گاه میهن، در اشعار پایداری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این سمبل نیز، از سمبل‌های عمومی و طبیعی در مفهوم شهادت است. سایه نیز از این نماد توسیعی پایداری ۵ بار در مفهوم شهادت بهره برده است.

اما چه باغی؟ دوزخی کانجا/ هر دم گلی نشکفته می‌پژمرد

(تاسیان: ۱۹۳)

آن زنده‌اندیشان که دست مرگ را بر گردن خود شاخ گل کردند

(همان: ۱۹۶)

این فرش که در پای تو گسترده‌ست/ از خون است/ این حلقه‌ی گل خون است/ گل خون است

(همان: ۱۵۹)

گل جواب سلام خورشیدست دوست در روی دوست خندیدست (آینه در آینه: ۱۸۷)

نسیم عطرگردان بوی خون عاشقان دارد بیا تا عطر این گل در مشام جان بگردانیم (همان: ۱۹۰)

لاله

یکی از پرکاربردترین نمادهای شعر و فرهنگ فارسی در راستای دلالت بر مفهوم مقدس شهادت، نماد لاله است. لاله به سبب رنگ قرمز یادآور خون شهیدان است، و به واسطه ساقه سبز یادآور سربندهای شهادت طلبی آنان. همچنین رستندگی لاله بازگوی جوانان غیور این مرز و بوم است که با خون دل پرورش یافتند و در آن حماسه دلیرانه جان بر کف دست گرفتند و مثل گلی که یک آن بر باد رود یا پیده شود، به شهادت رسیدند. از سوی دیگر داغ لاله چنانچه پیش تر ذیل نماد داغ گفته شد، یادآور داغی است که در از دست رفتن این شهدا بر دل‌های ما نقش بسته است. روی هم رفته نماد لاله سمبل عمومی و طبیعی از شهداست. از این سمبل توسیعی و تشبیهی در مفهوم شهادت، ابتهاج نیز ۳ بار در اشعارش بهره برده است.

نشان داغ دل ماست لاله‌ای که شکفت به سوگواری زلف تو این بنفشه دمید (شعرزمان‌ما: ۱۵۴)

ای عاشقان ای عاشقان، پیمانه‌ها پر خون کنید وز خون دل چون لاله‌ها رخساره‌ها گلگون کنید (همان: ۱۵۴)

لاله‌ها پیک باغ خورشیدند که نصیبی به خاک بخشیدند (آینه در آینه: ۱۸۷)

شقایق

شقایق نیز از دیگر نمادهای عمومی و طبیعی و تشبیهی از شهادت است. این سمبل هم ۳ بار در شعر سایه در همین مفهوم به کار رفته است.

صد دشت شقایق چشم، در خون دلم دارد تا خود به کجا آخر، با خاک در آمیزم (شعرزمان‌ها: ۱۵۴)
تا نیاراید گیسوی کبودش را/ به شقایق‌ها/ صبح فرخنده/ در آینه نخواهد خندید

(تاسیان: ۱۳۶)

اما آنچه پیش‌تر در مورد مفهوم شهادت از نگاه ابتهاج بیان شد اینجا در بند بالا و با نمادشناسی این مصداق به خوبی قابل رویت است. صبح نمادی پربسامد در مفهوم آزادی است. آینه در این بند نماد میهن است. رنگ کبود و تیره سمبل ظلم و خفقان است. و شقایق چنان که گفتیم نمادی پرکاربرد از شهادت است. مطابق این رمزگشایی، ابتهاج شاید با رویکردی چپ‌گرایانه آزادی را محصول مستقیم خون و شهادت می‌داند و اصطلاحاً معتقد آزادی به هر قیمت است. او طبق اندیشه‌های خویش عقیده دارد که هر دستاوردی بهایی دارد، و می‌گوید: تا گیسوی کبود ظلم رابه خون شهیدان آمیخته نکند، صبح آزادی در آینه‌ی وطن نخواهد خندید. رویکردی که شاید در نقطه مقابل سیمین قرار دارد، و گویی هرچه او از جنگ، حتی با هدف مثبت آن تنفر می‌جوید، سایه لازمه آزادی را تقدیم خون‌ها و شهیدان می‌داند.

بنفشه

بنفشه نیز نمادی توسیعی و طبیعی از شهادت است. این سمبل هم ۱ بار در شعر ابتهاج به کار رفته است.

نشان داغ دل ماست لاله‌ای که شکفت به سوگواری زلف تو این بنفشه دمید (شعرزمان‌ها: ۱۵۴)

درخت

درخت از نمادهای پرکاربرد شعر پایداری است. نماد درخت گاه در مفهوم آزادی، گاه میهن و گاه شهادت مورد استفاده قرار گرفته است. این سمبل عمومی و طبیعی از شهادت در اشعار ابتهاج ۱ بار آمده است.

گرچه با رقص و ناز درچمن است سرنوشت درخت سوختن است (آینه در آینه: ۱۸۸)

سرو

سرو هم از پزکاربرد ترین نمادهای گیاهی و طبیعی شعر پایداری است. این نماد نیز به مفاهیم آزادی و میهن و شهادت دلالت دارد. نماد سرو که سمبل عمومی و طبیعی از شهید است. این نماد همچنین ۲ بار توسط ابتهاج به کار رفته است.

ساحت گور تو سروستان شد/ ای عزیزدل من/ تو کدامین سروی؟

(تاسیان: ۱۵۰)

برگ چندان که نور می‌گیرد باز پس می‌دهد چو می‌میرد (آینه در آینه: ۱۸۷)

سپیدار

سپیدار از دیگر سمبل‌های طبیعی از شهادت است و ۱ بار در نمونه زیر از اشعار سایه آمده است.

با من بگو از سرگذشت آن سپیدار/ آن سهمگین پیکر که با فریاد تندر/ چون پاره‌ای از آسمان افتاد بر خاک!

(تاسیان: ۱۴۰)

مرغ

پرنده‌گان نیز معمولاً به سبب پروازشان نماد آزادی هستند. به طور کلی شاید بتوان گفت نمادهای جانوری بیشتر در مفهوم آزادی و ظلم کاربرد دارند تا مفهوم جنگ و شهادت. اما به هر روی برخی از آن‌ها گاه در این مفاهیم نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای نمونه نماد مرغ که سمبلی توسیعی و طبیعی از شهادت است و ۱ بار در نمونه زیر از شعر سایه به کار رفته است.

مرغان باغ بیهده خواندند/ هنگام گل نبود.

(تاسیان: ۱۷۳_۱۷۴)

کبوتر

توضیحات در خصوص نماد مرغ در مورد کبوتر نیز صادق است. کبوتر سمبل عمومی و طبیعی از شهادت است. این سمبل هم ۱ بار توسط ابتهاج استفاده شده است.

اما دلم به غارت رفته‌است/ با آن کبوتران که پریدند/ با آن کبوتران که دریغا/ هرگز به خانه بازنگشتند.

(تاسیان: ۱۵۴)

قناری

نماد قناری نیز از دیگر پرندگان نمادینی است که در مفاهیم گوناگون شعر اجتماعی معاصر به کار رفته است. این سمبل طبیعی از شهادت ۱ بار در اشعار ابتهاج استفاده شده است.

ز بال سرخ تو خواندم در آن غروب قفس / که آفتاب رها گشتن قناری‌هاست

(تاسیان: ۱۶۵)

پرستو

پرستو نیز سمبل عمومی و طبیعی از شهادت است. این سمبل هم در اشعار ابتهاج ۱ بار در همین مفهوم به کار رفته است.

که زمین هرسال از خون پرستوها رنگین است / وین چنین بر جگر سوختگان / داغ بر داغ می‌افزاید

(تاسیان: ۴۴۶)

آهو

آهو سمبلی جانوری و طبیعی است که اغلب در مفهوم آزادی کاربرد دارد. اما این نماد در مفهوم شهادت نیز در اشعار ابتهاج ۱ بار استفاده شده است.

آهوان گم شدند در شب دشت آه از آن رفتگان بی‌برگشت (آینه در آینه: ۱۸۹)

صید

صید سمبل عمومی و مصنوع از شهادت است. این سمبل ۱ بار در شعر زیر ابتهاج آمده است.

گفت: ای افسوس، در این دام مرگ / باز صید تازه‌ای را می‌برند / این صدای پای اوست

(تاسیان: ۱۱۹)

رنگ‌ها

رنگ‌ها از حیث کاربرد، منشا و مبنا، معمولاً جزو سمبل‌های عمومی و طبیعی هستند. رنگ‌ها معمولاً هرکدام نمادهای مثبت و منفی زیادی را در مقوله‌های مختلف ادب پایداری مورد شمول قرار می‌دهند. مثلاً رنگ‌های سفید و سبز نماد آزادی است در عین حالی که نماد شهادت نیز هست. رنگ قرمز نماد ظلم و جنگ است و در عین حال به سبب مبادرت خون در ذهن مخاطب، نماد شهادت نیز هست. و... در مجموع هوشنگ ابتهاج، ۳ بار از رنگ سبز، و ۳ بار از رنگ سرخ در نمونه‌های پایین به عنوان سمبل شهادت بهره برده است.

با این غروب از غم سبز چمن بگو اندوه سبزه‌های پریشان به من بگو (شعرزمان‌ما: ۱۳۱)
 آن سرخ و سبز سایه بنفش و سیاه شد سرو سیاه من ز غروب چمن بگو (همان: ۱۳۲)
 ای جنگل ای حیف! / همسایه‌ی شب‌های تلخ نامرادی / در آستان سبز فروردین دروغا / آن غنچه‌های سرخ را بر باد دادی!

(تاسیان: ۱۳۸)

تو چون شهاب نوشتی به خون روشن خویش / که صبح تازه ز خون شهید خواهد خاست / ز بال سرخ تو خواندم در
 آن غروب قفس / که آفتاب رها گشتن قناری‌هاست

(همان: ۱۶۵)

عکسی آویخته بر دیوار / مثل یادی سبز

(همان: ۱۸۰)

اعضای بدن

در شعر معاصر گاه بر اساس علاقه جزء و کل، بعضی از اعضای بدن مجازاً به عنوان سمبل شهید به کار رفته‌اند. اعضای مانند سر و دست در فرهنگ ایرانی اسلامی به سبب دلالت بر نحوه شهادت امام حسین (ع) و حضرت ابوالفضل، اغلب نماد ایشار و شهادت قرار می‌گیرند. و چه سر و دست‌هایی که در دوران ۸ ساله دفاع مقدس نیز در راستای همان آرمان‌ها بر خاک افتاد. جان را نیز می‌توان مرتبط با اعضا و حیات انسان دانست. جان سمبل طبیعی و مجازی از شهید است. ابتهاج هم ۱ بار از این سمبل در نمونه زیر در مفهوم شهادت بهره گرفته است.

بنگر چه جان‌های گرامی رفته‌اند از دست

(تاسیان: ۱۹۶)

نماد انگشت از دیگر اعضای بدن است که توسط ابتهاج در مفهوم شهادت مورد استفاده قرار گرفته است. این سمبل تاسیسی و طبیعی از شهادت نیز ۱ بار در اشعار سایه به کار رفته است.

وقتی که فریب دیو / در رخت سلیمانی / انگشت را یکجا با انگشتان می‌برد

(تاسیان: ۱۵۶)

ساقی

نماد ساقی نمادی پرکاربرد در شعر فارسی است. اما این نماد در شعر اجتماعی معاصر مفهومی دیگر یافته است. شاید اشاره به سقای دشت کربلا، یا شاید تاکید بر آزادی بخشی شهیدان که مانند ساقیان راه آزادی هستند، باعث شده است تا سایه از این نماد در مفهوم شهادت بهره یابند. ساقی سمبل مصنوع از شهید است. این سمبل ۱ بار در بیت زیر از ابتهاج استفاده شده است.

از ساقیان بزم طربخانه صبح با خامشان غمزده انجمن بگو (شعرزمان‌ما: ۱۳۲)

شاهد

شاهد نیز از نمادهای پرکاربرد شعر فارسی است که در شعر معاصر تغییر معنا داده است. شاهد سمبل مصنوع و تاسیسی از شهید است. این سمبل نیز ۲ بار در اشعار ابتهاج تکرار شده است.

به یاد زلف نگونسار شاهدان چمن بین در آینه‌ی جویبار گریه‌ی بید (شعرزمان‌ما: ۲۳۷)

زین تخت و تاج سرنگون، تاکی رود سیلاب خون ای شاهدان بزم کین، پیمانه‌ها پر خون کنید (همان: ۴۳۸)

سهراب

سهراب از اسطوره‌های شاهنامه است که به سبب داستان قتل تراژیک اش به دست پدر خود، در نزد شاعران و ادیبان معاصر به عنوان نماد بیگناهی و همچنین شهادت مورد استفاده قرار گرفته است. سهراب سمبلی فرهنگی و عمومی از شهید است. نماد سهراب در شعر ابتهاج نیز ۱ بار در مفهوم شهادت استفاده شده است.

زمانه کیفر بیداد سخت خواهد داد سزای رستم بدروز مرگ سهراب است (آینه در آینه: ۲۰۱)

حلاج

حلاج چنانچه در ابتدا گفته شد، به سبب داستان بر دار شدنش به اتهام الحاد و کفر، و فقط به خاطر بیان تعبیر عمیق و عرفانی «انال‌الحق» به گونه‌ای نماد حقانیت و کشته شدن در راه حق است. این نوع مرگ را در فرهنگ ایرانی اسلامی شهادت می‌دانیم. بنابراین حلاج سمبل عمومی و مصنوع از شهادت است. این نماد نیز ۱ بار در نمونه‌ی زیر از شعر ابتهاج آمده است.

راز سرسبزی حلاج این است: / ریشه در خون شستن / بار از خون رستن

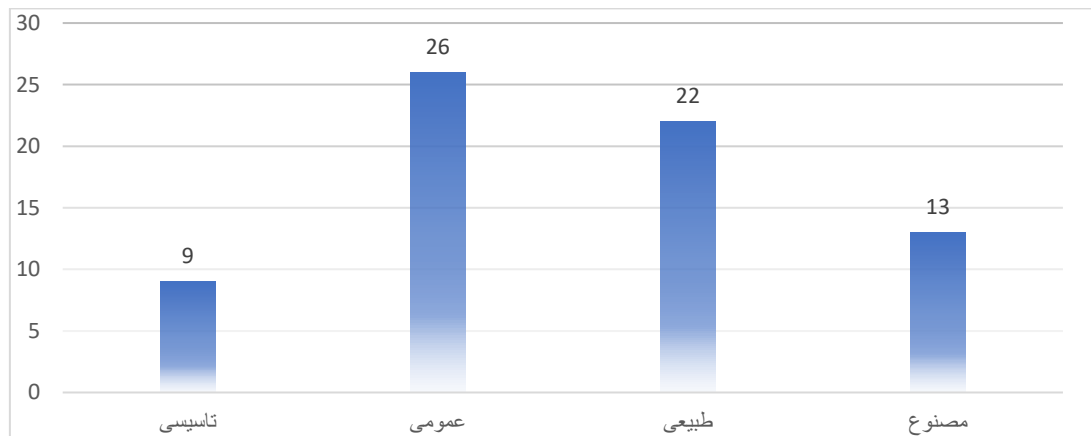
(تاسیان: ۱۶۹)

بررسی سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار هوشنگ ابتهاج نشان می‌دهد که، او ۳۵ سمبل مختلف را ۷۱ بار در راستای تبیین این مفهوم به کار می‌گیرد، که پرکاربردترین آنها سمبل خون با بسامد ۲۲ است. (مطابق جدول ۱) از حیث انواع سمبل نیز، سمبل‌های عمومی و طبیعی، به ترتیب با بسامد ۲۶، ۲۲ بار تکرار، پرکاربردترین انواع سمبل‌های شعر سایه در مقوله‌ی جنگ و شهادت هستند. (شکل ۱)

جدول ۱. جدول بسامد سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار هوشنگ ابتهاج

ردیف	سمبل	بسامد	نوع سمبل
۱	خون	۲۲ بار	عمومی، طبیعی
۲	موج	۱ بار	"
۳	غرقاب	۱ بار	تاسیسی، طبیعی
۴	تندر	۱ بار	"
۵	آتش	۱ بار	عمومی، طبیعی
۶	شمع	۱ بار	تاسیسی، مصنوع
۷	ساقی	۱ بار	عمومی، مصنوع
۸	شاهد	۲ بار	"
۹	جان	۱ بار	تاسیسی، طبیعی
۱۰	انگشت	۱ بار	تاسیسی، طبیعی
۱۱	خاک	۱ بار	عمومی، طبیعی
۱۲	غنچه	۱ بار	"
۱۳	گل	۵ بار	"
۱۴	شقایق	۳ بار	"
۱۵	لاله	۳ بار	"
۱۶	داغ	۲ بار	"
۱۷	بنفشه	۱ بار	"
۱۸	درخت	۱ بار	"
۱۹	سپیدار	۱ بار	"
۲۰	سرو	۲ بار	"
۲۱	مرغ	۱ بار	"
۲۲	کبوتر	۱ بار	"
۲۳	قناری	۱ بار	"

۲۴	پرستو	۱ بار	"
۲۵	آهو	۱ بار	تاسیسی، طبیعی
۲۶	صید	۱ بار	تاسیسی، مصنوع
۲۷	میدان	۱ بار	عمومی، مصنوع
۲۸	طبل	۱ بار	تاسیسی، مصنوع
۲۹	شیپور	۱ بار	"
۳۰	تیر	۱ بار	عمومی، مصنوع
۳۱	تبر	۱ بار	"
۳۲	حلاج	۱ بار	"
۳۳	سهراب	۱ بار	"
۳۴	سبز	۳ بار	عمومی، طبیعی
۳۵	سرخ	۳ بار	"
	بسامد مجموع سمبل‌ها	۷۱ بار	



شکل ۱. نمودار بسامد انواع سمبل‌های جنگ و شهادت در اشعار هوشنگ ابتهاج

۳. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از این پژوهش را می‌توان در چند بخش به شرح ذیل ارائه نمود:

هوشنگ ابتهاج از شاعران دغدغه‌مند و جامعه‌گرای معاصر است که همواره در اشعار خود به مضامین اجتماعی توجه ویژه داشته است. در شعر سایه نه تنها مقوله‌های اجتماعی-سیاسی چون انقلاب و استعمارستیزی و ملی‌گرایی به چشم می‌خورد، بلکه پدیده تاریخی-اجتماعی چون جنگ نیز مورد توجه قرار گرفته است. او به تأثیر از پدیده جنگ ایران و عراق و مفهوم دفاع مقدس بخشی از اشعار اجتماعی خود را به این مقوله اختصاص داده است تا بیشتر همراه و هم‌کلام مردم هم‌عصرش باشد. رویکرد ابتهاج اگرچه در سایر مولفه‌های ادبیات پایداری متأثر از عقاید و ایدئولوژی‌های سیاسی رایج در دوران حیاتش است، اما در خصوص مقوله جنگ بیشتر این روح ملی‌گرایی و میهن‌پرستانه آمیخته با روحیه انسان‌دوستی و هم‌نوع دوستی اوست که منجر به تصویرپردازی‌های تراژیک در اشعارش می‌شود.

علیرغم آن‌که بخشی از اشعار سایه به ویژه در اشعار سنتی (غزل) متأثر از ادب کهن فارسی است و او را به جریان رمانتیسم اجتماعی و یا حتی گاه جریان سنت‌گرای معاصر نزدیک‌تر می‌دارد، بسامد فراوان نماد در اشعار اجتماعی او به ویژه در مقوله جنگ و شهادت که از مولفه‌های ادبیات دفاع مقدس و موضوع این پژوهش است، او را به عنوان شاعری نمادگرا و جامعه‌گرا معرفی می‌نماید که می‌توان گفت بخش زیادی از اشعارش ذیل جریان شعر سمبولیسم اجتماعی قرار خواهد گرفت.

ابتهاج در مجموع در اشعار خود از ۳۱ نماد گوناگون با بسامد ۷۱ مرتبه تکرار، در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت بهره می‌یابد. پرکاربردترین نماد در اشعار دفاع مقدس او نماد خون با بسامد ۲۲ مرتبه تکرار است که به مفهوم شهادت دلالت دارد. از سوی دیگر کم‌کاربردترین نمادهای جنگ و شهادت در اشعار او نمادهای: غرقاب، آتش، غنچه، آهو و... هستند که هرکدام تنها یک بار در اشعار او استفاده شده‌اند.

از نظر نوع نمادهای مورد استفاده در اشعار دفاع مقدس هوشنگ ابتهاج، بیشترین بسامد تکرار مربوط به نمادهای عمومی و طبیعی است که به ترتیب ۲۶ و ۲۲ بار از آن‌ها استفاده شده است. طبیعتاً در طرف دیگر کم‌کاربردترین نوع نمادهای شعر ابتهاج در راستای تبیین مفاهیم جنگ و شهادت، نمادهای تاسیسی و مصنوع هستند که سایه در اشعار خویش به ترتیب ۹ و ۱۳ بار از آن‌ها بهره یافته است.

منابع

۱. ابتهاج، هوشنگ/شریفی، فیض، (۱۴۰۱)، *شعر زمان ما: هوشنگ ابتهاج*، تهران: نگاه
۲. ابتهاج، هوشنگ، (۱۳۸۶)، *تاسیان*، تهران: کارنامه
۳. ابتهاج، هوشنگ، (۱۳۹۳)، *آینه در آینه*، به انتخاب دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران: چشمه
۴. ابراهیم تبار، ابراهیم، (۱۳۹۶)، «*تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر سیمین بهبهانی*»، نشریه ادبیات پایداری دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، س. ۹، ش. ۱۶، صص ۲۰-۲۱/۱۰، JRL.2017.1719
۵. برادسکی، جوزف، (۱۳۷۳)، *شعر شکلی از مقاومت در برابر واقعیت*، ترجمه شهلا شاهسوندی، مجله شعر، سال دوم، شماره ۱۴
۶. بصیری، محمدصادق، (۱۳۸۸)، *سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی*، ج ۱: از آغاز تا عصر پهلوی، کرمان: انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان.
۷. بصیری، محمدصادق؛ (۱۳۸۷)، *طرح و توضیح چند سوال درباره مبانی ادبیات پایداری*، نامه پایداری (مجموعه مقالات اولین کنگره ادبیات پایداری دانشگاه کرمان)، تهران: انتشارات.
۸. پورنامداریان، تقی، (۱۳۶۷)، *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*، تهران: علمی فرهنگی.
۹. جهانگرد، فرانک، (۱۳۹۵)، *تحلیل سیر تکوینی تعاریف ادبیات پایداری در ایران*، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید باهنر کرمان، سال هشتم، شماره ۱۴، JRL.2016.1471/۱۰، ۲۲۱۰۳
۱۰. چدویک، چارلز، (۱۳۷۵)، *سمبولیسم*؛ ترجمه مهدی سحابی، تهران: مرکز
۱۱. چهرقانی، رضا، (۱۳۹۶)، *ادبیات پایداری در ایران، بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها*، نشریه ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۲، صص ۱-۳۳.
۱۲. حدادی طاقانکی، نادعلی، (۱۳۸۸)، «*بررسی جلوه‌های دفاع مقدس در ادبیات کودک و نوجوان*»، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهرکرد.
۱۳. داودی، شکیب/ صفری، جهانگیر/ فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، *پیشنهادی بر دسته‌بندی انواع سبیل*، فصلنامه زیبایی‌شناسی ادبی، دوره ۱۵، شماره ۶۰، صص ۷۵-۱۱۰.
۱۴. داودی، شکیب/ صفری، جهانگیر/ فروزنده، مسعود، (۱۴۰۳)، *جلوه‌ی نمادین ظلم و خفقان در اشعار هوشنگ ابتهاج*، ادبیات پایداری، دوره ۱۶، شماره ۳۰، صص ۱۴۱-۱۶۶.
۱۵. رستگارفسایی، منصور، (۱۳۷۲)، *انواع شعر فارسی*، شیراز: انتشارات نوید
۱۶. سنگری، محمدرضا، (۱۳۸۰)، *نقد و بررسی ادبیات منظوم دفاع مقدس*، تهران: پالیزان.
۱۷. شمیسا، سیروس، (۱۳۸۱)، *بیان*، تهران: فردوس.
۱۸. صفری، جهانگیر/ ظاهری عبدوند، ابراهیم، (۱۳۹۴)، *بررسی نماد در دیوان ناصر خسرو*، دو فصلنامه علوم ادبی، سال ۴، شماره ۷، Jls.2015.478/۱۰، ۲۲۰۹۱
۱۹. علامی، ذوالفقار/ یگانه، سپیده، (۱۳۹۳)، *نمادپردازی‌های حماسی در غزل تنوکل‌اسیک (با تکیه بر غزلیات سیمین بهبهانی، حسین منزوی و محمدعلی بهمنی)*، پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، سال ۳، شماره ۱، Jlcr.2014.52697/۱۰، ۲۲۰۵۹
۲۰. قاسمی، حسن، (۱۳۸۳)، *صورخیال در شعر مقاومت*، تهران: فرهنگ گستر.

۲۱. قبادی، حسین علی، (۱۳۸۸). *آیین آیینیه*. چاپ دوم. تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس.
۲۲. قلی‌پوری، لیلا/ مشفق، آرش/ علیزاده، ناصر، (۱۴۰۰)، *بررسی سیر تحول مولفه‌های اجتماعی-سیاسی شعر معاصر از مشروطه تا معاصر*، نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، دوره ۱۴، شماره ۶۲، صص ۱۸۱-۱۹۵. ۲۲۰۳۴/۱۰.4833/14.bahareadab.2021
۲۳. کافی، غلامرضا، (۱۴۰۰)، *پیشنهادی برای رج‌بندی گروه-مولفه‌های ادبیات پایداری*، نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه شهید بهشت کرم‌ان، سال سیزدهم، شماره ۳، شماره ۲۴. JRL.2021.3007/۱۰.۲۲۱۰۳
۲۴. محمدی، علی/ کولیوند، فاطمه، (۱۳۹۰)، *تحلیل و بررسی سمبل‌های اجتماعی در سروده‌های امیر هوشنگ ابتهاج*، مجله بوستان ادب دانشگاه شیراز، سال سوم، شماره ۳، پیاپی. jba.2012.275/۱۰.۲۲۰۹۹
۲۵. محمدیان، علی، (۱۳۸۸). «*بررسی و تحلیل موضوع شهید و شهادت در شعر کودک و نوجوان دهه هفتاد و هشتاد*». پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور.
۲۶. محمدیان، علی، (۱۳۸۹). *کتاب سیزدهم* (مجموعه مقالات سیزدهمین جشنواره کتاب سال دفاع مقدس). تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۲۷. مرتضی‌زاده‌طوری، زهره/پارسایی، حسین/ جهانیان، سوزان، (۱۴۰۱)، *بازتاب سبک سمبولیسم اجتماعی سیاسی در شعر شاعران دهه چهل و تئیس‌ها و نمادهای خانه‌ی مشروطه تبریز*، نشریه مطالعات هنر اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۴۵، صص ۵۸۱-۵۹۵. ias.2021.295699.1662/۱۰.۲۲۰۳۴
۲۸. میرصادقی، جمال/ میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۷)، *واژه‌نامه هنر داستان‌نویسی*، تهران: کتاب مهناز.
۲۹. میرصادقی، میمنت، (۱۳۷۶)، *واژه‌نامه هنر شاعری*، تهران: کتاب مهناز.
۳۰. وطن‌خواه، زینب/ سید صادقی، سید محمود/ پرهیزکار، مریم، (۱۳۹۹)، *نمادگرایی و تمثیلات اجتماعی حافظانه در بیان و اندیشه‌های هوشنگ ابتهاج*، فصلنامه تحقیقات تمثیلی در زبان و ادب فارسی، شماره ۴۶. ۶۷۸۲۳۶
۳۱. الیاده، میرچا، (۱۳۹۲)، *نمادپرستی، امر قدسی و هنرها*، ترجمه‌مانی صالحی علامه، تهران: نیلوفر.